

# نفي صفيندي، معياري براي سنجش سياستها

## عباس عبدي

سخنان حدادعادل يك پيامد مهم دارد فلسفه قانونگذاري در ايران بايد تغيير كند

جرقه اعتراضات ريشه در ماجراي پوشش زنان داشت. از اين رو انتظار ميرفت كه مسوولان امر اصلاحاتي را در زمينه سياستهاي حكومت در امر پوشش در دستور كار قرار دهند. ولي آنچه ديده شد بي‌توجهي برخي از نهادها و متوليان امر بود كه يكي از مصاديق عجيب آن بيانيه شوراي عالي انقلاب فرهنگي در اين زمينه است كه بنده نقد آن را در برنامه نوشتن داشتم كه به دليل پيشامدهاي ديگر فراموشم شد. تا اينكه سخنان مقام رهبري در اين مورد منتشر شد كه رويکرد مسوولان حكومت را به ماجرا تغيير داد ولي به گمانم هنوز عمق ماجرا براي سياستگذاران روشن نشده است. از جمله آقاي دكتر حداد عادل در گفت‌وگو با مجري صدا و سيما درباره اين بيانيه شورا اعلام كردند كه: «اين يك چارچوب كلي است، بيانيه را نبايد يك مصوبه ناظر بر اجرا از جانب شورا تلقي كرد، اين بيانيه در واقع يك چارچوب است كه مقررات اجرايي و قوانين بايد در داخل اين چارچوب صورت گيرد، ولي طبيعي است كه اين مقررات مي‌تواند با توجه به موقعيت، مخاطب و نوع تخلف از قانون، خيلي تنوع و انعطاف داشته باشد.» اينها به معنای بي‌خاصيت بودن بيانيه است هر چند صادركنندگان نش‌نپذيرند زيرا از همان زمان معلوم بود كه پيام اين بيانيه چيست. در هر حال پس از سخنراني مقام رهبري طبيعي بود كه در جهت تعديل اين رويکرد اقدام شود. از اين رو آقاي حداد در همين گفت‌وگو كه ظاهراً براي تصحيح اين بيانيه و تاكيد بر مواضع مقام رهبري است، اعلام مي‌دارند كه: «به زناني كه با حفظ حجاب خودشان ولو به تعبير مقام معظم رهبري حجاب ضعيف دارند وفاداريشان را به عفت و شرم و حيا و قانون اسلامي و حكومت اسلامي نشان داده‌اند سلام و درود مي‌فرستم.» اين گفتار آقاي حداد - كه مهم و حساب شده بود- منطقياً به اين معنا است تعارضی میان این نوع حجاب با عفت و شرم و حيا نيست، كه حرف كاملاً درستي است. به تعبير منطقي رابطه میان حجاب با عفت و شرم و حيا،

«عموم و خصوص مین وجه» است. ولی بخش دوم سخنان ایشان یعنی، وفاداری آنان به قانون و حکومت اسلامی چگونه ممکن است؟ قانون حجاب چیز دیگری را می‌گوید که این نوع پوشش نقض آن است و به منزله عدم وفاداری به قانون است. در تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی رعایت نکردن حجاب شرعی جرم است. بر اساس آن، «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا از ۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.» پس پوشش مورد نظر جناب آقای حداد با هر تعبیری که بیان شود فرقی نمی‌کند، از جمله بدحجاب یا حجاب ضعیف یا شل حجاب و... به معنای ارتکاب جرم و مستوجب مجازات است. پس چرا قانون علیه آنان اجرا نمی‌شوند؟ به دلیل اینکه فلسفه وجودی این قانون ایراد دارد و آن را در عمل به قانونی منسوخ تبدیل کرده است. اگر کسی این قانون را به دلیلی نقض نمی‌توانیم او را وفادار به قانون یا حکومت معرفی کنیم مگر اینکه این قانون مطابق خواست همین مردم تغییر داده شود. حکومت حق ندارد که هم قانون را داشته باشد و هم آن را اجرا نکند و اگر بخواهد این ماده قانونی را تغییر دهد به ناچار باید فلسفه قانونگذاری خود را تغییر دهد. دیگر نمی‌تواند با ارجاع به حجاب شرعی قانونگذاری کند، بلکه معیارهای دیگری را باید در نظر بگیرد. اتفاقاً یکی از این معیارها در سخنان آقای حداد عادل آمده است: «البته در شرایط کنونی جامعه ما به‌رغم اینکه حجاب باید جدی گرفته شود نباید به شکلی در بیاید که ملت به دو صف مقابل هم تبدیل شوند چرا که دشمنان ایران می‌خواهند در ایران دودستگی ایجاد شود بنابراین باید برای اجرای قانون مراقب باشیم که جامعه از اهداف مهم نظیر استقلال به تضاد کشیده نشود.» در حقیقت تجزیه اجتماعی و صفبندی مردم در برابر یکدیگر، از خطوط قرمز قانونگذاری است. نمی‌توانیم قانونی بگذاریم که نیمی از جامعه آن را نپذیرند و نقض کنند. این بی‌معنی و ناخردانه است. نکته مهم این است که قوانین و سیاست‌هایی که چنین وضعیتی دارند، کم نیستند. از جمله همان صدا و سیمايي که ایشان با آن گفت‌وگو کردند، یا همین احکامی که هر روز صادر می‌شود، یا عملکرد شوراي نگهبان در رد و تایید صلاحیت‌ها، همگی به اندازه این مورد و حتی بیشتر موجب صفبندی مردم شده‌اند و باید اصلاح شوند. معیار نفي هر قانون و سیاست بر اساس نتیجه آنکه منجر به صفبندی شود یکی از بهترین معیارها برای سنجش درستی و نادرستی آن قانون و سیاست است.

نکته مهم و البته حاشیه‌ای دیگری هم اضافه کنم که این بیانیه و این تغییر رویکرد اخیر نشان داد که شوراي مزبور به‌طور مستقل قادر به باز کردن هیچ گرهی نیست. بسط این ادعا بماند برای زمانی دیگر.

□□□□□□ 1401 □□ 21 □□□□□□ □□□□□□ :□□□□